

## خوانش فرهنگی- روانی از پاکی و آلودگی با تأکید بر آراء کریستوا، داگلاس و ارتنر

### دکتر ثریا معمار. آقای علی خسروی

گزارش از: زینب چنگیزی

انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات (دفتر استانی اصفهان)، گروه علوم اجتماعی و انجمن علمی روانشناسی دانشگاه اصفهان در روز یکشنبه سیام مهرماه میزبان آقای علی خسروی (دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی و پژوهشگر) و دکتر ثریا معمار (استاد جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان) بود. این نشست تخصصی با موضوع "خوانش فرهنگی-روانی از پاکی و آلودگی با تأکید بر آراء کریستوا، داگلاس و ارتنر" برگزار شد که ابتدا آقای علی خسروی به طرح مباحث نشانه-ساختی و آراء کریستوا در رابطه با چیستی پاکی و آلودگی پرداخته و در ادامه دکتر ثریا معمار آراء داگلاس و ارتنر درباره آلودگی را مطرح کرد.

خسروی در ابتدا این سه اندیشمند را دارای تفکر بینا رشته‌ای معرفی کرد که مباحثشان از روانکاوی تا نشانه‌شناسی، انسان‌شناسی و مطالعات فرهنگی را شامل می‌شود و خاطرنشان ساخت که انتخاب بررسی موضوع آلودگی در آراء داگلاس، کریستوا و ارتنر کاملاً هدفمند بوده و این انتخاب بنابراین دلیل است که این سه اندیشمند هم ذیل مباحث نشانه‌شناسی نظریاتشان را پیش می‌برند و هم زیست کار عملی آن‌ها نقطه‌به‌نقطه قابل ارجاع به چنین آرائی است. او در ادامه به بحث زبان و طرح دو رویکرد کلی در آن پرداخت. یکی مطالعه‌ی در زمانی زبان و دیگری مطالعه‌ی هم‌زمانی زبان. مطالعه‌ی در زمانی اجمالاً یعنی زبان را در گذار تاریخ مطالعه کنیم و این که یک واژه در گذار تاریخی خودش چه دگردیسی‌هایی را تجربه کرده است. مطالعه‌ی هم‌زمانی زبان یعنی زبان فارغ از تغییر و تحولاتی که برایش اتفاق می‌افتد، ساختار ثابت و تکرار شدنی‌ای دارد. سوسور از پیشگامان توجه به این رویکرد بود. طبعاً در بحث نشانه‌شناسی هم دو سنت عمده وجود دارد که بحث‌های کریستوا، داگلاس و ارتنر هم مبتنی بر این دو سنت است. یکی، سنت سوسوری است که زبان‌شناسی ساختاری است و دیگری سنت پیرسی.

در ادامه‌ی جلسه خسروی تعاریفی از نشانه‌شناسی ارائه داد. او ابتدا به امبرتو اکو اشاره کرد که نشانه‌شناسی را مطالعه‌ی هر آنچه می‌داند که یک نشانه است. در مفهوم کلی‌تر نشانه چیزی است که در زندگی روزمره با آن سروکار داریم. فهم و معرفت ما از همه‌ی مسائل زندگی روزمره از مجرای نشانه هست که صورت می‌پذیرد.

خسروی پس از این بیان کرد که سوسور زبان را به دو بعد تقسیم کرده است: الف) لانگ ب) پارول. لانگ را می‌توان به زبان ترجمه کرد و پارول را به گفتار. یکی دیگر از قواعد، اصل قطبیت و تقابل‌های دوتایی است که از خلال این بحث مطرح شد. بعضی از این قطبیت‌ها که میان همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها مشترک است عبارت‌اند از: خود/دیگری، درون/بیرون، ذهن/عین، سوژه/بژه و نهایتاً طبیعت/فرهنگ. این‌ها دوگانه‌های تکرارشونده هستند. خسروی مباحث خود را از اینجا به بعد با آراء کریستوا ادامه می‌دهد.

کریستوا در نظریات خود در مباحث روانکاوی از نشانه‌شناسی مدد می‌گیرد. فرهنگ از قواعد لانگ استفاده می‌کند تا نظام ارزشی خودش را محقق سازد. مشخصاً در آراء وی راجع به پاکی و آلودگی به این نکته برمی‌خوریم که وقتی در فرهنگ گفته می‌شود: شیطان ناپاکی را می‌گستراند و این گزاره مکرراً در طول تاریخ تکرار می‌شود، خواهیم دید که شیطان با ناپاکی هم‌نشین شده است. با این استفاده‌ی فرهنگ از اصل هم‌نشینی، نظام فرهنگی موردنظر به ما منتقل می‌شود. فرهنگ با علم به اینکه انسان از قواعد جانیشینی و هم‌نشینی استفاده می‌کند نظام ارزشی خود را به وجود آورده و همه‌گان به ازلی و ابدی بودگی آن عمیقاً معتقدند. اینجاست که بحث مطالعات فرهنگی اهمیت پیدا می‌کند. کریستوا در کتاب «قدرت‌های وحشت» به بیان سیر آلوده‌انگاری چیزها می‌پردازد با پاسخ به این سؤالات که چه سیری طی می‌شود که در فرهنگی جسد یا خون آلوده تلقی می‌شود؟ کریستوا بر آن است که هیچ‌چیزی به‌خودی‌خود آلوده نیست؛ همه‌چیز از جانب فرهنگ و با استفاده از نشانه‌هاست که آلوده تلقی می‌شوند. کریستوا در کتابش می‌خواهد بگوید چطور این فرایند اتفاق می‌افتد.

یکی از تقابل‌های اساسی که در زبان وجود دارد تقابل درون و برون است. گویی روان آدمی به این قطبیت نشانه‌شناختی که در زبان وجود دارد تن می‌دهد. خسروی با اشاره به سه مرحله‌ی تحول کودک از نظر لکان، به این نکته اشاره می‌کند که از نظر کریستوا مرحله‌ی یکپارچگی قبل از تولد رخ می‌دهد. در مرحله‌ی کورایی کودک این تصور را دارد که با مادر یکی است؛ اما بعد از تولد وارد این تصور می‌شود که مستقل از مادر است؛ اما ناگزیر است برای سوژه بودن به این جدایی تن دهد؛ بنابراین برای سوژه‌بودگی به قطبیت درون/برون و من/دیگری کردن می‌نهد. نشانه و زبان است که او را اجبار می‌کند تا به قطبیت من/دیگری تن بدهد و بپذیرد که چنین دوگانه‌ای وجود دارد. از این پس "من" هر آنچه سوژه بودن و مستقل بودن را تهدید کند؛ آلوده می‌انگارم و هرچه را مشخص نباشد درون است یا بیرون آلوده می‌نامم؛ مثلاً خون مرزها را مخدوش می‌کند؛ چون از درون بدن به بیرون می‌آید و فرد در مورد آن بلا تکلیف است و با سؤال "این خون درون است یا بیرون؟" مواجه می‌شود. پس از نظر کریستوا، خون به‌خودی‌خود آلوده نیست؛ اما وقتی از سطح درون گذر کرد و مرزها را مخدوش ساخت، آلوده تلقی می‌شود. روان ما برای حفظ سوژه بودنش نیاز به این قطبیت درون برون دارد. درون به معنای خود و برون به معنای دیگری است. هر چه این مرز را تهدید کند آلوده است و فرهنگ هم از این موضوع حمایت می‌کند و حتی پا فراتر می‌گذارد و اموری را که مخدوش‌کننده‌ی قطبیت‌ها نیستند را هم بر اساس مصالح خود، آلوده معرفی می‌کند و افراد بنا بر اعتمادی که به چارچوب‌های فرهنگ دارند آن امور را آلوده خواهند دانست. اگر به ادبیات پیرس پایبند باشیم، چنین دال‌هایی به‌صورت نمادین نشان‌گر آلودگی می‌شوند. خسروی بیان می‌کند که پیش‌تر مذهب و امروزه بیش‌تر هنر در معرفی "چیزهای آلوده" نقش ایفا می‌کنند.

در بخش دوم جلسه، دکتر ثریا معمار به بررسی آراء مری داگلاس و شری آرتر دربارهِی آلودگی پرداخت. ایشان ابتدا کتاب "پاکی و خطر" داگلاس را معرفی کرد که موضوعش تقابل پاکی و آلودگی است. داگلاس با مثال‌های گوناگون عینی در پی آن است تا ثابت کند پاکی و آلودگی بالذات نیست، بلکه در فرهنگ‌ها برساخته می‌شود. همچنین در همین کتاب توضیح می‌دهد اشیاء و پدیده‌ها نسبت به هم می‌توانند پاک یا آلوده تلقی شوند؛ مثلاً زن هندو نسبت به مرد هندو ناپاک تلقی می‌شود. قواعدی هستند که جامعه و فرهنگ تمهید کرده تا امر مقدس را محافظت کند که داگلاس آن‌ها را بیشتر در تورات جستجو کرده؛ مثلاً در مورد خوراکی‌ها توضیح می‌دهد که چه مواد غذایی را تورات قدغن کرده است.

وی می‌گوید این قوانین امور مقدس را از هتک حرمت محافظت می‌کنند. در حقیقت قواعد، همچون حصاری گرداگرد امر پاک را فرامی‌گیرند و از پاکی محافظت می‌کنند. داگلاس همچنین نسبت آلودگی و ناپاکی را با امر خطرناک برای ما نشان می‌دهد که در حقیقت امری آلوده و برابر با خطر تلقی می‌شود. داگلاس همچنین به تابو و قدغن کردن‌ها نیز می‌پردازد. هم‌زمان با ارتکاب رفتار نابهنجار، نوعی اضطراب و هراس به وجود می‌آید به‌گونه‌ای که انسان به شکسته شدن موقعیت عادی آگاه می‌شود و این حالت، موقعیتی تنش‌زاست و منجر به بحران می‌شود. مرز درون/بیرون شکسته می‌شود و آنچه بهنجار تلقی می‌شده تبدیل به امر نابهنجار می‌شود. همچنین داگلاس بیان می‌دارد که مناسک نمادین در فرهنگ‌ها برای کاهش تنش حاصل از چنین موقعیتی و زدودن ناپاکی به وجود آمده است. ما به‌صورت نمادین در زنجیره‌ی دال‌ها امری را پاک و امری را ناپاک و آلوده می‌دانیم و خودمان هستیم که به لحاظ فرهنگی این نمادها و زنجیره‌ها را ایجاد کرده‌ایم، اما طی دو مرحله آن منشأ ناپاکی را از بین می‌بریم تا جایی که به امری ازلی و ابدی بدل می‌شود و همیشه در زندگی ما خواهد بود. اول امر ناپاک را بیرون از خود تصور می‌کنیم و بعد آن ریشه‌های اتصال آن به امر انضمامی را قطع می‌کنیم؛ گویی همیشه و از ازل این امر ناپاک بوده است.

در ادامه دکتر معمار به بحث راجع به نظریات شری آرتنر پرداخت. آرتنر در سال 1974 رساله‌ای تحت عنوان "آیا نسبت زنان به مردان نسبت طبیعت به فرهنگ است" را نوشت. مهم‌ترین تقابلی که آرتنر مطرح می‌کند و در همه‌ی جوامع هم قابل ردیابی است، بحث زن و مرد و جایگاه پایین‌تر زن نسبت به مرد است. زن نماد طبیعت است و همواره با چیزهایی که در هر فرهنگی بی‌ارزش تلقی می‌شود هویت پیدا می‌کند. زن بخشی از طبیعت انگاشته شده است. زنان موجوداتی طبیعی، فرودست و وابسته به مرد و ملازم سرکوب در نظر گرفته می‌شوند؛ اما چرا زن نماد طبیعت است؟ بدن زن با زندگی طبیعی آمیخته است. زن، توانایی بارداری، وضع حمل و شیردهی دارد، از بچه‌اش مراقبت می‌کند و این تبدیل به‌قاعده می‌شود. زن به خاطر مکانیسم بدنش با امور خانه درگیر می‌شود و اینجا تقابل بین عرصه‌ی خانوادگی و عمومی شکل می‌گیرد؛ بنابراین زنان به‌منزله‌ی موجوداتی معرفی می‌شوند که لایه‌های پایین‌تر جامعه را به خودشان اختصاص می‌دهند و به لحاظ اجتماعی تجزیه‌شده و پاره‌پاره‌اند. در مقابل مردان هستند که روابط فراخانوادگی دارند، به لحاظ اجتماعی بالاتر هستند و علایق عام‌گرایانه دارند. مردان مظهر فرهنگ و خلاقیت شده‌اند. مردانگی شکل تکامل‌یافته‌ی زنانگی است. همچنین آرتنر اشاره می‌کند که زن در تلاش برای فرهنگی شدن، تقابل فرهنگ و طبیعت را به هم می‌زند و در چنین معادله‌ای نه طبیعت است و نه فرهنگ، درعین‌حال هر دو آن‌ها هم هست. بر اثر چنین وضعیتی زن تحت استیلای مرد قرار می‌گیرد چراکه مدام از سوی فرهنگ پس‌زده می‌شود و به‌سوی طبیعت رانده می‌شود.

نشست دو روزه‌ی تخصصی «روانکاوی و نظریه‌ی اجتماعی» با پرسش و پاسخ شرکت‌کنندگان و سخنرانان در مراسم روز یکشنبه به کار خود پایان داد.